

راه رهایی از وسوسه‌های شیطان و گناه

امروزه بسیاری از ایمانداران بر این باورند که با ایمان به عیسی مسیح قادر به جنگ با شیطان، شکست دادن او و رهایی از وسوسه‌ها خواهند بود. ما نیز در این مقاله سعی بر آن داریم تا با بررسی این موضوع و نگاه به تعالیم عیسی مسیح در کتاب مقدس، بهترین راه رهایی از دام وسوسه‌های شیطان را دریابیم.

انجیل متی فصل ۲۶ آیات ۳۶ الی ۴۶:

۳۶ آنگاه عیسی با ایشان به موضعی که مسمی به جتسیمانی بود رسیده، به شاگردان فود گفت: «در اینجا بنشینید تا من رفته، در آنجا دعا کنم.» ۳۷ و پطرس و دو پسر زبیدی را برداشته، بی نهایت غمگین و دردناک شد. ۳۸ پس بدیشان گفت: «نفس من از غایت آلم، مشرف به موت شده است. در اینجا مانده با من بیدار باشید.» ۳۹ پس قدری پیش رفته، به روی در افتاد و دعا کرده، گفت: «ای پدر من، اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد؛ لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو.» ۴۰ و نزد شاگردان فود آمده، ایشان را در فواب یافت؛ و به پطرس گفت: «آیا همینین نمی‌توانستید یک ساعت با من بیدار باشید؟ ۴۱ بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیفتید. روح راغب است، لیکن جسم ناتوان.» ۴۲ و بار دیگر رفته، باز دعا نموده، گفت: «ای پدر من، اگر ممکن نباشد که این پیاله بدون نوشیدن از من بگذرد، آنچه اراده تو است بشود.» ۴۳ و آمده، باز ایشان را در فواب یافت زیرا که پشیمان ایشان سنگین شده بود. ۴۴ پس ایشان را ترک کرده، رفت و دفعه سوم به همان کلام دعا کرد. ۴۵ آنگاه نزد شاگردان آمده، بدیشان گفت: «مابقی را بفوابید و استراحت کنید. المال ساعت رسیده است که پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم شود. ۴۶ برفیزید برویم. اینک تسلیم کننده من نزدیک است.»

این گزارشی است از اتفاقات عجیب و فراتر از تصور ما که در باغ جتسیمانی افتاده است. «جتسیمانی» به معنای پرس کردن زیتون است. به احتمال زیاد این باغ به یکی از پیروان عیسی مسیح تعلق داشته و او به عیسی اجازه داده بود تا هر زمان که می‌خواهد برای دعا و وقت گذراندن با خدای پدر وارد آن باغ شود. عیسی مسیح در آن شب همراه با همه‌ی شاگردان وارد باغ می‌شود و سه تن از شاگردان را برای هدفی خاص انتخاب می‌کند. ولی چرا عیسی تنها از پطرس، یوحنا و یعقوب خواست تا همراه او به مکانی دیگر از باغ بروند و دعا کنند؟

اولاً عیسی مسیح به عنوان استاد اعظم، آنها را انتخاب کرد تا موضوعی بسیار مهم را به شکلی خاص به آنها آموزش دهد و آنها را آماده کند تا در آینده به عنوان رهبران، آن موضوع را به دیگران بیاموزند. مسیح می‌خواست به آنها تعلیم دهد که به قدرت خودشان اطمینان نداشته باشند. چراکه اگر به قوت خودشان تکیه کنند حتماً شکست خواهند خورد.

دوماً عیسی مسیح به عنوان یک انسان، می‌خواست شاگردانش در زمان سختی کنارش باشند و با او همدردی کنند و به همین خاطر از آنها خواست تا بیدار باشند و همراه او دعا کنند.

عیسی مسیح در آیه ۳۸ می‌گوید:

پس بدیشان گفت: «نفس من از غایت آلم مشرف به موت شده است. در اینجا مانده با من بیدار باشید.»

این غم شدید دلایل بسیاری داشت، به طور مثال:

- ۱ – یهودای اسخریوطی که سه سال همراه عیسی مسیح بود، برای دریافت مبلغی حاضر به خیانت کردن به او شده بود.
- ۲ – پطرس و دیگر شاگردان در زمان دستگیری عیسی، به خاطر ترسشان او را ترک می‌کنند و پطرس که بارها گفته بود در هر شرایطی کنار عیسی می‌ماند و از او محافظت می‌کند، به خاطر نجات جان خود او را سه مرتبه انکار خواهد کرد.

۳- عیسی مسیح که پادشاه حقیقی اسرائیل است و در طول تاریخ این قوم، در کنارشان بوده و از آنها محافظت کرده است توسط آنها رد شده است.

۴- عیسی مسیح که خداوند و آفریننده‌ی عدالت است، به زودی با ناعدالتی بزرگی مواجه خواهد شد. رهبران یهود که به نام یهوّه و عدالت قسم خورده بودند، مسیح را به سمت محاکمه‌ای ناعادلانه خواهند برد.

۵- او که توسط خدای پدر «پسر حبیب من» خوانده شده بود، به زودی مورد تمسخر و شکنجه‌ی انسانها قرار خواهد گرفت.

۶- عیسی مسیح از شکنجه‌هایی که در انتظارش بود کاملاً آگاه بود.

همه‌ی این موارد را می‌توان به عنوان دلایل ناراحتی عیسی نام برد ولی این غم سنگین او که "تا به حد موت" بود، دلیل دیگری داشت. علاوه بر اینها، عیسی می‌بایست با دو موضوع دیگر نیز مواجه شود؛ در واقع می‌توان گفت که این موضوعات باعث به وجود آمدن غمی بودند که حتی فرشتگان هم قادر به التیام بخشیدنش نبودند!

لوقای طبیب در فصل ۲۲ آیه ۴۴ انجیل خود می‌نویسد:

« پس به مجاهده افتاده، به سعی بلیغ‌تر دعا کرد، چنانکه عرق او مثل قطرات فون بود که بر زمین می‌ریفت.»

علم پزشکی این موضوع را ثابت کرده که اگر مویرگ‌ها بر اثر فشار بیش از حد پاره شوند، خون موجود در آن از طریق منافذ پوستی همراه با رطوبت یا همان عرق از بدن خارج می‌شود. این موضوع برای عیسی مسیح اتفاق افتاد. او می‌دانست که طبق نقشه‌ی از پیش تعیین شده، باید تمام گناهان بشر را بر دوش خود بگیرد و این اولین دلیل برای به وجود آمدن این فشار سنگین بر او بود.

اگر از افراد مختلف بخواهید گناهکارترین اشخاصی را که تاریخ بشریت تا به امروز به خود دیده را نام ببرند، بی‌تردید نام چنگیز و هیتلر در لیستشان قرار خواهد گرفت اما وقتی کلام خداوند را مطالعه می‌کنیم، با موضوعی جالب توجه روبرو می‌شویم؛ این که عیسی مسیح در صدر لیست گناهکارترین اشخاص در طول تاریخ بشریت قرار دارد!

پولس رسول در رساله‌ی دوم قرنتیان فصل ۵ آیه ۲۱ می‌گوید:

«(پس او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم.»

بدون شک هیچ کس دوست ندارد به گناهی که انجام نداده است متهم شود و دادگاه نیز برایش حکم اعدام صادر کند. این دقیقاً همان اتفاقی بود که برای عیسی مسیح رخ داد؛ قرار بود پسر خداوند که کاملاً مقدس و عاری از گناه است، به گناه کارترین شخص در تاریخ بشریت تبدیل شود. قرار بر این بود که بدترین گناهان بشریت، همچون قتل، تجاوز به کودکان و ... را که همه‌ی انسانها، از اولین روز تا آخرین روز زندگیشان بر روی این کره‌ی خاکی انجام داده و خواهند داد، بر دوش کسی قرار گیرد که مرتکب هیچگونه گناهی نشده بود.

اما آنچه برای عیسی مسیح از این هم دردناک‌تر بود، اتفاقی بود که به واسطه‌ی بر دوش گرفتن گناهان رخ می‌داد. با قرار گرفتن بار همه‌ی گناهان بشریت بر شانه‌های او، رابطه‌اش با خدای پدر قطع می‌شد و این دومین دلیل این فشار بسیار سنگین بر او بود.

پدر، پسر و روح‌القدس از ازل در محبت کامل و رابطه‌ای بدون نقص به سر می‌بردند. محبت، عشق و اتحادی غیرقابل تصور و نامحدود در بین آنها وجود داشت ولی وقتی خدای پسر تبدیل به گناه می‌شد، خدای پدر که از ازل با او در رابطه‌ی کامل بود، دیگر نمی‌توانست به خاطر ذات مقدس خود این رابطه را حفظ نماید و باید صورت خود را از فرزند حبیب خود بر می‌گرداند. به همین دلیل هم عیسی مسیح در انجیل مرقس فصل ۱۵ آیه ۳۴ اینچنین می‌گوید:

«و در ساعت نهم، عیسی به آواز بلند ندا کرده، گفت: «ایلوئی ایلوئی، لِمَا سَبَقْتَنی؟» یعنی «الهی الهی چرا مرا واگذاریدی؟»

این جمله‌ی مسیح به خاطر رنج و درد فیزیکی او بر روی صلیب نبود. نه تنها خدای پدر باید صورت خود را از یگانه فرزندش برمی‌گرداند بلکه باید از او جدا می‌شد و کاسه‌ی غضبش را به خاطر گناهان انسان، بر او می‌ریخت. در این لحظه عیسی مسیح به جای محبت ازلی پدر، غضب او را نسبت به گناه و به جای گناهکاران تجربه می‌کرد.

این غضب چیزی بود که عیسی مسیح باید آن را تجربه می‌کرد. او می‌توانست هر وقت بخواهد از انجام این کار منصرف شود و آن را به اتمام نرساند! او بارها در تعالیم و صحبت‌هایش گفت که «کسی قادر به گرفتن جان من نیست بلکه من با اراده‌ی خود آن را تسلیم می‌کنم». خدای پدر عیسی مسیح را به راه صلیب و جلجتا فرستاد اما هرگز او را مجبور به انجام آن نکرد.

عیسی مسیح بعد از تعمید گرفتن از یحیی، ۴۰ روز را در بیابان به سر برد و شیطان در آن مدت، به شدت در پی وسوسه کردن او بود ولی راه به جایی نبرد. با توجه به این موضوع، در انجیل متی فصل ۲۶ آیه ۳۹ آمده است:

«پس قدری پیش رفته، به روی در افتاد و دعا کرده، گفت: «ای پدر من، اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد؛ لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو.»

در این آیه شاهد تضاد بین خواست عیسی مسیح و خواست خدای پدر هستیم. این تضاد می‌تواند نشانه‌ای مبنی بر قرار گرفتن عیسی در معرض وسوسه‌ی شیطان باشد. در این آیه به نظر می‌رسد که وسوسه‌ای بزرگ‌تر از وسوسه‌ی ۴۰ روزه در بیابان به سوی عیسی مسیح آمده است. درد حاصل از جدایی بین پدر و پسر آنقدر عظیم بود که عیسی قادر به تحمل آن نبود و به همین خاطر از پدر پرسید که آیا راه دیگری برای نجات وجود دارد یا خیر؟

موضوع بسیار مهم این است که عیسی مسیح با کمال فروتنی به دنبال اراده‌ی پدر است. او می‌داند که برای رهایی از این وسوسه نیاز به قوت خدای پدر دارد. ما ایمانداران هم باید همچون عیسی مسیح با فروتنی به حضور پدر برویم و اقرار کنیم که در جنگ روحانی از خود هیچ قدرتی نداریم و برای پیروزی در آن، به قدرت او نیازمندیم.

عیسی مسیح، پطرس، یوحنا و یعقوب را همراه خود به آن مکان برد تا آنها شاهد این تعلیم مهم و نهایی باشند. شاگردان تصور می‌کردند که می‌توانند از پس هر مشکلی برآیند. او از آنها خواست تا بیدار باشند و همراه او دعا کنند اما آنها فکر نمی‌کردند که این موضوع اهمیت چندانی داشته باشد. آنها با وجود اینکه شدت ناراحتی عیسی مسیح را دیده بودند، حتی نتوانستند برای همدردی با او، همراهش بیدار بمانند و کاری که از آنها تقاضا کرده بود را به انجام رسانند.

این موضوع باید درس بزرگی برای ما ایمانداران باشد. ما نباید هیچگاه به طبیعت گناه آلود و قدرت خودمان تکیه کنیم بلکه باید در زمان بروز وسوسه و جنگ روحانی، به سرعت به حضور خداوند رفته و از او درخواست کمک کنیم. جان مک آرتور می‌گوید:

وقتی دیدبان ارتش متوجه‌ی حضور دشمن می‌شود، هیچگاه به تنهایی به جنگ با آنها نمی‌رود بلکه مشاهدات خود را در اختیار فرمانده قرار می‌دهد و این فرماندهی ارتش است که طرحی برای برخورد با دشمن به سربازان ارائه می‌دهد.

پطرس رسول در رساله‌ی اول خود فصل ۵ آیه ۸ اینچنین بیان می‌کند:

«هشیار و بیدار باشید زیرا که دشمن شما ابلیس مانند شیر غران گردش می‌کند و کسی را می‌طلبد تا بلعد.»

ما ایمانداران نباید فکر کنیم که می‌توانیم به تنهایی به جنگ با شیطان برویم و در مقابل وسوسه ایستادگی کنیم، بلکه بلافاصله باید از وسوسه فرار کنیم و با دعا به حضور خدای پدر برویم تا در دام آن وسوسه گرفتار نشویم. عیسی مسیح پیروزی روحانی را از آن کسانی می‌داند که با دعا، در بیداری روحانی به سر می‌برند. شیطان کاملاً با ما انسانها آشنا و از ضعف‌های ما آگاه است و با هشیاری و زیرکی کامل به دنبال وسوسه کردن ما است. تنها کسی که می‌تواند ما را از وسوسه‌های شیطان و گناه رهایی بخشد خداوند قادر مطلق است و ما باید در این دنیای گناه آلود، دائماً به او تکیه کنیم. باید هر روز به وسیله‌ی دعا با خداوند قدم بزنیم و او را تنها منبع قدرت خود قرار دهیم. درباره‌ی بهایی که عیسی مسیح برای ما پرداخت کرده است تفکر کنیم و بدانیم که محبت همراه با قربانی خداوند نسبت به ما انسانها باعث شد که او حاضر شود یگانه فرزند خود عیسی مسیح را در راه ما گناه سازد. حال که چنین محبت عظیمی شامل ما گردیده است، باید دائماً به حضور خداوند برویم و از این اقیانوس فیض و محبت او استفاده نماییم و با دعا و طلب یاری از او، از وسوسه‌های شیطان و گناه خلاصی یابیم.